

مشارکت سیاسی زنان از دیدگاه اسلام و قوانین افغانستان

هیلی مسعودی؛ عضو آکادمی رهبری زنان

تاریخ ۱۴۰۲/۰۲/۰۸ هجری شمسی

چکیده

مشارکت سیاسی زنان در جامعه، امروزه از عمده‌ترین مباحث اجتماعی به ویژه در کشورهای روبه انکشاف، درگیر منازعات و جوامع‌ای که در آنجا سنن، تعاملات و عرف‌های محلی یا توجیهات تاریک اندیشانه دینی حاکم است، دانسته می‌شود.

هدف تحقیق حاضر، مطالعه مشارکت سیاسی زنان از دیدگاه اسلام و قوانین افغانستان است چون زمانی بحث از مشارکت سیاسی زنان به میان می‌آید، استدلال عده‌یی از افراد این است که زنان از دیدگاه اسلامی حق اشتراک در امور سیاسی را ندارد. پس تلاش ما در این تحقیق این است تا در پی تبیین مشارکت سیاسی زنان از اسلام باشیم و همچنان آیا قوانین افغانستان به خصوص قانون اساسی کشور به زنان حق اشتراک در امور سیاسی را داده است یا خیر.

از طرفی مشارکت سیاسی شهروندان امروز برای توسعه سیاسی قابل اهمیت خوانده شده و از آن به عنوان یکی از پیش نیازهای توسعه سیاسی یاد شده است. مردم که سازندگان اصلی حیات سیاسی و اجتماعی هستند، با مشارکت سیاسی شان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اداره جامعه سهیم شده و به مثابه تصمیم‌گیران واقعی سرنوشت سیاسی شان را رقم می‌زنند. مشارکت سیاسی در واقع مشروعیت حاکمیت را تضمین کرده و هر قدر میزان مشارکت سیاسی شهروندان در جامعه بیشتر باشد، حاکمیت در جامعه بین‌المللی از اعتبار، شخصیت و موقعیت بیشتری برخوردار خواهد بود. با مشارکت سیاسی، قدرت سیاسی به شکل مسالمت آمیز آن و بدون هر نوع کشمکش دست به دست شده و مشارکت سیاسی مردم در تصمیم‌گیری‌ها در عرصه‌های گوناگون آنان این آگاهی را خواهد داد که از توانایی‌های شان استفاده بهینه کنند.

کلید واژه‌ها: مشارکت سیاسی، اسلام، زنان، قوانین افغانستان

مقدمه

از مهمترین عواملی که به تداوم حیات بشر کمک کرده، همکاری و مشارکت میان انسان ها است. مشارکت همه اقشار و گروه ها (اعم از مردان و زنان) است و در این میان تردیدی نیست که نقش زنان، که نیمی از پیکره جامعه را تشکیل می دهند، نقش عظیم و نیرومندی است. یکی از موضوعات اساسی در مباحث زنان، مسئله مشارکت سیاسی آنهاست. از آغاز تاریخ فلسفه و سیاست، اهل نظر زن در حاشیه سیاسی و در پی آن در حاشیه تاریخ قرار داده اند و از آن روز تا به امروز زن مثل نیمه تاریک تاریخ است.

آنها با تقسیم بندی متصلب و انعطاف پذیر، با تعیین حدود مرد و زن بر اساس ویژه گی های ذاتی و یا ارضی مرزبندی تغییرناپذیری در مورد حیطه فعالیت های این دو داشته اند. براین مبنا، سیاست حوزه ای مردانه تلقی شده و زنان به دلیل توصیف هایی که از آن ها شده است، شایستگی ورود به این صحنه را نداشته اند.

آشنایی با حقوق زنان به عنوان نیمی از جامعه انسانی از جمله موضوعاتی بسا مهم بوده است. موضوع «حقوق سیاسی زنان» از مهم ترین شاخص های پویایی و توسعه سیاسی یک جامعه با حضور زنان در مشارکت اجتماعی و سیاسی آن جامعه می باشد.

«حقوق سیاسی آن است که فرد بتواند به عنوان عضو جامعه در زندگی عمومی و اجتماعی کشور خود از راه انتخاب زمام داران و مقامات سیاسی شرکت جوید و یا به تصدی مشاغل، سیاسی و اجتماعی نایل آید و یا در جوامع، آزادانه عقاید و افکار خود به نحو مقتضی ابراز کند.» (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۷۵).

امروزه کمتر کسی می تواند نقش دین را در زندگی اجتماعی و در زندگی سیاسی نادیده بگیرد و از طرفی قوانین وسیله تامین نظم و آرامش در یک جامعه می باشد پس جا دارد که در این مبحث یک مقایسه بین دیدگاه اسلام و قوانین افغانستان نسبت به مشارکت سیاسی زنان صورت گیرد تا معلوم گردد که قوانین موجود در کشور تا چه اندازه مطابق با دیدگاه اسلام، اقوال و عملکرد های رسول الله در رابطه به مشارکت سیاسی زنان دارد.

تعریف مفاهیم

مشارکت: به معنای دخالت همه جانبه مردم در فرآیند های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است (رضایی، ۱۳۹۵، ص. ۵۶).

سیاست: رهبری صلح آمیز یا غیر صلح آمیز روابط میان افراد، گروه‌ها و احزاب (نیروهای اجتماعی) و کار های حکومتی در داخل یک کشور و روابط میان یک دولت با دولت‌های دیگر در عرصه‌های جهانی است (عالم، ۱۳۸۸، ص. ۳۰).

مشارکت سیاسی: عبارت از اشتراک شهروندان در انتخاب فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری های سیاسی یک کشور می‌باشد. تمام اقشار جامعه بدون در نظر داشت قوم، زبان، حزب، مذهب و دین می‌توانند در پروسه های سیاسی اشتراک ورزند (بزنجانی & دیگران، ۱۳۹۵).

نقش زنان در سیاست در مطابقت با قوانین و اسناد حقوقی افغانستان

خوشبختانه قانون اساسی و سایر قوانین نافذ دیگر در افغانستان مشارکت زنان را در همه عرصه‌های اجتماعی به رسمیت شناخته است. فصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان در مورد حقوق و واجبات اساسی اتباع که از ماده ۲۲ الی ۵۹ را احتوا می‌کند در برگیرنده اساسی ترین مواد است که مشارکت سیاسی و اجتماعی زن را در جامعه افغانی تسجیل کرده است. بر اساس ماده ۲۲ قانون اساسی هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع می‌باشد. ماده ۳۳ حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را برای هر دو جنس مرد و زن به رسمیت می‌شناسد. ماده ۳۴ حق آزادی بیان و ماده ۳۵ حق تشکیل احزاب و جمعیت‌ها را برای همه شهروندان اعم از زن و مرد تایید کرده است (رامزی، ۲۰۲۱، ص. ۱۱).

در ماده ۴ ام قانون اساسی بیان می‌دارد که (حاکمیت ملی در افغانستان به ملت تعلق دارد که به طور مستقیم یا توسط نمایندگان خود آن را اعمال می‌کند. ملت افغانستان عبارت است از تمام افرادی که تابعیت افغانستان را دارا باشند). زنان افغان می‌توانند در تمام پست های دولت از قبیل ریاست جمهوری، وزارت، عضویت ستره محکمه یا عضویت پارلمان افغانستان کار کنند و هیچ محدودیتی برای زنان در هیچ یک از این پست ها وجود ندارد.

حقوق سیاسی زنان از منظر اسلام

اسلام در کنار حقوق مالی، اقتصادی، اشتغال و آموزش توجه خاصی به حقوق سیاسی زن نموده و در مسائل سیاسی و اجتماعی برای زنان شخصیت حقوقی پیش بینی نموده چرا که زنان نقش چشم گیری در تاریخ و تحولات جامعه خود ایفا نموده اند. در تاریخ اسلام شواهد فراوانی از مداخله‌ی زنان در امور سیاسی وجود دارد. در واقع حقوق سیاسی زنان دارای مبانی فقهی می باشد که در ذیل به طور مختصر به آن می پردازیم:

الف- حقوق سیاسی زنان در قرآن

در رابطه به حقوق سیاسی زنان آیات متعددی وجود دارد که حقوق سیاسی زنان را مجاز می داند که قرار ذیل می باشند:

داستان ملکه سبا

یکی از آیات قرآن کریم که مربوط به حقوق سیاسی زنان است. داستان ملکه سبا و حکومتش است؛ که در آن آیه از زن به عنوان رأس قدرت جامعه اسلامی به خوبی یاد می کند. از سوی دیگر آیات قرآنی وی را فردی اهل رأی و نظر و شور و مشورت و حق طلب معرفی می کند، چرا که وقتی نامه سلیمان به او رسید با درایت به حل مشکل پرداخت و به سلیمان گروید.

«قَالَتَ رَبِّ اَنِ ظَلَمْتُ نَفْسِي وَاَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ؛ گفت: پروردگارا، من به خود ستم کردم و اینک با سلیمان در برابر خدا پروردگار جهانیان تسلیم شدم.» (نمل/۴۴)

بسیاری از صاحب نظران به این داستان تمسک کرده و تصدی زن در بالاترین مناصب سیاسی را روا دانسته اند (مصطفوی، ۱۳۸۹، ص. ۱۰۴-۱۰۳)

امر به معروف و نهی از منکر

آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر نمونه بارز مشارکت همگانی زن و مرد در جامعه است. آیه ۷۱ سوره توبه می فرماید: « مردان و زنان با ایمان ولی (یار و یاور) یکدیگر اند، امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و نماز بر پا می دارند و زکات را می پردازند، و خدا و رسولش را اطاعت می نمایند و...» با توجه به این آیه خداوند متعال مهمترین مسؤلیت جامعه اسلامی را که همانا امر به معروف و نهی از منکر است، بدون تبعیض بر دوش زن و مرد گذاشته است. (توبه/۷۱)

بیعت

آیه ۱۲ سوره ممتحنه اشاره به بیعت زنان با پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) پس از فتح مکه دارد. «یا أیها النبی اذا جاءک المومنات ینا یعنک علی لایشرکن بالله...؛ ای پیامبر هرگاه زنان مومن پیش تو آمدند با آنان بیعت کن به شرطی که به خداوند شرک نوزند...»

قرآن کریم بیعت با حکومت را که بارزترین فعل و حق سیاسی است برای زنان پذیرفته و عرصه‌های مختلف تاریخ صدر اسلام نشان دهنده این عمل سیاسی از طرف زنان است. (جاوید، ۱۴۰۰، ص. ۴۲).

ب- حقوق سیاسی زنان در روایات

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «من أصبح و أمسی و لم یهنم بأمر المسلمین فلیس منهم؛ کسی که صبح و شام کند و به امر مسلمانان اهتمام نوزد از ما نیست.» (کلینی، ۱۳۶۵، ص. ۱۶۳). امور مسلمانان بدون شک شامل امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنان می شود، که این امر به صورت عام ذکر شده و شامل مرد و زن می شود. به این ترتیب از نظر روایی نیز، اسلام برای زنان قائل به حقوق سیاسی شده است.

ج- حقوق سیاسی زنان در سیره معصومین (ع)

شواهد فراوانی در تاریخ اسلام وجود دارد که به مداخله زنان در امور سیاسی اشاره دارد؛ بیعت‌هایی که پیامبر با مردان مؤمن انجام می داد زنان نیز در آن شرکت داشته اند «بیعه النساء» و «عقبه اول» در زمانی که فشارهای پی در پی از سوی مشرکان و منافقان بر مسلمانان وارد می شد، نشانگر نقش انکارناپذیر زن در تاریخ اسلام است (آیت الهی، ۱۳۸۰، ص. ۲۳). اگر جهاد را از بارزترین جلوه‌های سیاست دینی به حساب آوریم، حضور زنان به عنوان آب رسانی، پرستاری، تدارکات جنگ و... حضور چشم‌گیری داشتند (مجلسی، ۱۴۰۳، ص. ۳۱). حضور مؤثر حضرت فاطمه در جنگ‌ها به همراه پدر و همسر بزرگوارش برای خدمت رسانی رزمندگان و پرستاری از مجروحان هم چنین ایراد خطبه‌های سیاسی در اجتماع مردم کوچه و بازار شهر مدینه و نقش ایشان در مصاف با حاکمان نالایق و ستمگر است. همچنین نقش حضرت زینب در قیام امام حسین (ع) از مظاهر جایگاه سیاسی زن در راه اصلاح جامعه و اجرای احکام نبوی و ولایت است. چرا که ایفای وظیفه‌ی احیای امر به معروف و نهی از منکر از تکالیف مشترک زن و مرد در قرآن کریم است.

با تدبر و تأمل در آیات و روایات می توان گفت: خوشبختانه اسلام نخستین دینی است که برای زنان حقوق سیاسی را در تمام دوران پذیرفته است. و برای زنان مجاز می باشد در اجتماع مشارکت سیاسی داشته باشند. بدین ترتیب دیده می شود که در تعالیم عالی و انسانی اسلام هیچ تبعیضی میان زنان و مردان وجود ندارد و زنان اجازه یافتند تا در بیعت، جهاد، هجرت سهم بگیرند. در واقع بیعت مهم‌ترین

عمل سیاسی آن دوران به شمار می آمد؛ چرا که بیعت اساس جامعه اسلامی و وسیله ای برای اعلام التزام جامعه به شریعت است. بیعت دیروز همین حکم رأی امروزی را در جامعه دارد.

نتیجه گیری

دین اسلام با قوانین متعالی اجتماعی خود دنیا را دگرگون ساخته و زنان را از ذلت و سیه روزی نجات داد. زنان در اسلام علاوه بر حقوق مالی و آموزشی دارای حقوق اجتماعی و سیاسی شدند و در صحنه‌ی سیاست و اجتماع حضور یافتند کما این که شواهد تاریخی این امر را اثبات می کند.

آیات متعدد در قرآن کریم وجود دارد که به صراحت از داشتن حق مشارکت سیاسی زنان در صدر اسلام بیان داشته که از آنجمله داستان ملکه سباء می توان اشاره کرد و همچنین از بیعت های که در زمان پیامبر(ص) که صورت گرفته بود و نقش زنان را در مشارکت واضح می ساخت.

خوشبختانه افغانستان یک کشور اسلامی بوده، که قوانین نافذ کشور بر اساس احکام اسلام برای عموم شهروندان کشور حاکم می باشد براساس ماده ۲۲ قانون اساسی هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع می باشد. ماده ۳۳ قانون اساسی حق انتخاب شدن و انتخاب کردن را برای هر دو جنس مرد و زن به رسمیت می شناسد. و به همین طور ماده ۳۵ حق تشکیل احزاب و جمعیتها را برای همه شهروندان اعم از مرد و زن تایید کرده است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

آیت اللهی، ز. (۱۳۸۰). زن، دین، سیاست. تهران: سفیر صبح.

بزنجان، ا.، & دیگران. (۱۳۹۵). مشارکت سیاسی زنان از دیدگاه اسلام. تهران: دفتر مرکزی انتشارات ماهواره.

جاوید، ج. (۱۴۰۰). مشارکت سیاسی زنان از دیدگاه اسلام و قوانین افغانستان. کابل: مونوگراف.

رضایی، ص. (۱۳۹۵). زنان افغانستان؛ مشارکت، توسعه، چاپ دوم. کابل: انتشارات خراسان قدیم.

طباطبایی مؤتمنی، م. (۱۳۷۵). آزادی های عمومی و حقوق بشر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

عالم، ع. (۱۳۸۸). بنیادهای علم سیاست. تهران: انتشارات غزال.

قانون اساس افغانستان (۱۳۸۲).

کلینی، ج. (۱۳۶۵). اصول کافی. تهران: دارالکتاب الاسلامیه، طبعه الرابعه.

مجلسی، م. (۱۴۰۳). بحار الانوار (ج ۱۸). لبنان: موسسه الوفاء، الطبعه الثانيه.

مصطفوی، ف. (۱۳۸۹). زن از منظر اسلام. قم: موسسه بوستان قم، چاپ سوم.

وبسایت ها

۸ صبح. (۱۳۹۳، حمل ۱۹). بازیابی از AM.af8

رامزی، م. (۲۰۲۱، دسامبر ۳). نقش زنان در اجتماع و سیاست افغانستان. بازیابی از قابل دسترس درسایت::

<https://aelso.org/da/article/the-role-of-women-in-afghan-society-and-politics/>.